

دوره یازدهم قانون گذاری

جلسه ۲۶

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

بانتظام متن قوانین

یک شنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۱۶

شماره مسلسل ۸۱۵

مطبعه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۱۶ \*

## فهرست مطالب

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - شور و تصویب لایحه انحصار تهیه و خرید و فروش تخم نوغان
- ۳ - تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه
- ۴ - بقیه شور اول لایحه اصول محاکمات حقوقی از ماده ۳۰۵ تا ۳۱۵
- ۴ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

( مجلس يك ساعت و ده دقیقه پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید )

صورت مجلس یکشنبه ۱۷ بهمن ماه را آقای مؤید احدی ( منشی ) قرائت نمودند \*

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ( اظهار شد - خیر ) صورت مجلس تصویب شد .

### [ ۲ - شور و تصویب لایحه انحصار تهیه و خرید و فروش تخم نوغان ]

رئیس - شور دوم لایحه انحصار تهیه و خرید و فروش تخم نوغان .

( گزارش کمیسیون قوانین عدلیه بشرح ذیل قرائت شد )

گزارش از کمیسیون قوانین عدلیه بمجلس شورای ملی کمیسیون قوانین عدلیه برای شور دوم لایحه نمره ۳۵۸۲۲۴۸۳ دولت راجع بانحصار و خرید و فروش

و تهیه تخم نوغان و بیدله تشکیل و لایحه را با حضور آقایان وزیر عدلیه و وزیر صناعت مطرح نموده پس از مذاکرات مفصل در اطراف پیشنهادات آقایان نمایندگان و توضیحاتی که از طرف آقایان نورزاد داده شد نتیجه گزارش شور اول بقراردیر اصلاح و اینکه گزارش شور ثانی آن را تقدیم میدارد :

ماده ۱ - انحصار تهیه تخم نوغان و خرید و فروش تخم نوغان و بیدله در کشور با وزارت صناعت و معادن است .

ماده ۲ - هر کس بدون اجازه وزارت صناعت و معادن

\* عین مذاکرات مشروح بیست و ششمین جلسه از شماره یازدهم قانون گذاری ( مطابق قانون ۱۶ آذر ماه ۱۳۰۵ )

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی نمایندگان جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است :

غائبین : با اجازه - آقایان : مزدقی - دبیر سهرابی

غائبین : بی اجازه - آقایان : اسکندری - مهدوی - مؤید - ثابنی - موسی سمرات - معینی - جعفر پناهی

غائبین : بی اجازه - آقایان : بیات - بقوانی - جلائی - دکتر جوان - افخمی - دکتر ادم - وکیلی - فراگزلو

تخم نوغان بعمل آید بدون بر حسب اداره نوغان اثر...  
بفروشد و یا بخرد علاوه بر ضبط مال ( و در صورت نبودن  
عین مال رد قیمت آن) مرتکب بتأدیه غرامت از پانصد  
ریال الی پنج هزار ریال محکوم خواهد شد و در صورتیکه  
بتأدیه محکوم به نقدی اعم از غرامت با قیمت مال قادر نباشد  
در مقابل هر پنج الی بیست ریال از آن نظر محکمه یک  
روز حبس خواهد شد و اگر حبس نباید از سه سال تجاوز  
نماید.

تبصره - وزارت صناعت در مورد اجراء این قانون  
شاکی خصوصی شناخته میشود و در صورتیکه شکایت خود  
زا مسترد دارد قضیه قابل تعقیب نخواهد بود.

رئیس - ماده اول قرائت می شود  
( بشرح زیر خوانده شد )

ماده اول - انحصار تهیه تخم نوغان و خرید و فروش  
تخم نوغان و پبله در کشور با وزارت صناعت و  
معادن است.

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - بنده در ماده دوم عرض دارم

رئیس - آقای طباطبائی

طباطبائی - بنده هم در ماده دوم مختصر عرضی دارم  
رئیس - رأی گرفته می شود بماده اول آقایانی که  
موافقت دارند قیام فرمایند ( اکثر قیام نمودند ) تصویب شد  
ماده دوم قرائت میشود

رئیس - ( بنحو ذیل قرائت شد )

ماده دوم - هر کس بدون اجازه وزارت صناعت  
و معادن تخم نوغان بعمل آورد یا بدون بر حسب اداره  
نوغان آنرا بفروشد یا بخرد علاوه بر ضبط مال ( و در  
صورت نبودن عین مال رد قیمت آن ) مرتکب بتأدیه  
غرامت از پانصد ریال الی پنج هزار ریال محکوم خواهد  
شد و در صورتیکه بتأدیه محکوم به نقدی اعم از غرامت  
یا قیمت مال قادر نباشد در مقابل هر پنج الی بیست ریال  
از آن نظر محکمه یک روز حبس خواهد شد و مدت حبس  
نباید از سه سال تجاوز نماید.

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - در این ماده دوم مینویسد: تخم نوغان  
را بفروشد یا بخرد مال ضبط خواهد شد و در صورت  
نبودن مال محکوم برد قیمت آن هستند. خوب  
طبیعتاً وقتی که مال خرید و فروش شد مال پیش خریدار  
باقی میماند و در این صورت فروشنده چه مجازاتی دارد؟  
چون مال اگر موجود بود ضبط می شود و اگر مصرف  
شده بود غرامتش را ازش میگیرند یعنی از خریدار و در  
هر دو صورت ضررش متوجه می شود بخردار ولی آن  
کسی که این مال را فروخته و پول را گرفته و رفته تکلیف او  
معلوم نیست آیا آنرا هم مجازات میکنند یا خریدار این قسمت هم  
خوبست تکلیف فروشنده را معلوم کنند و در اینجا معین  
نکرده اند و محتاج بیک توضیحی است که معلوم شود این  
غرامت را کجی باید بدهد یا خریدار است یا با فروشنده  
که اصل عمل آورنده آن بوده است در هر حال لازمست  
یک توضیحی بفرمایند تا معلوم شود که اجرای این ماده  
را چگونه میفرمایند.

وزیر صناعت و معادن - در ابتدای ماده اگر مراجعه  
بفرمایند ذکر شده است که هر کس بدون اجازه وزارت  
صناعت تخم نوغان بعمل آورد و این بدیهی است که  
او هم مجرم خواهد بود و این ماده نسبت بهردو متوجه  
خواهد شد.

رئیس - آقای طباطبائی

طباطبائی - بنده با اصل ماده موافقم ولی در سطر  
ماقبل آخر می نویسد که جریمه از پنج ریال تا بیست ریال  
بنده تصور میکنم که در شور اول از ده ریال الی بیست  
ریال بود خواستم آقای وزیر صناعت توضیح فرمایند که  
معلوم شود و ضمناً تقاضا کنم که اگر موافقت میفرمایند  
همان ده ریال باشد

وزیر عدلیه - در این موضوع پیشنهاداتی رسیده بود  
در کمیسیون مطالعه کردیم علت اینکه باین ترتیب موافقت  
شد برای این بود که با قوانین دیگر مطابقت داشته باشد

ما الان قانونی داریم از برای خرید حبس که قابل امتیاع  
است تا دو ماه در آنجا از نظر تمکن اشخاص حبس  
خریداری می شود از پنج ریال تا بیست ریال و خلاصه  
در اینجا که جریمه بحسب تبدیل می شود خواستیم این را  
هم مطابق آن قرار دهیم یعنی از پنج ریال تا بیست ریال  
باشد که رعایت عدالت در همه جا بعمل آمده  
باشد.

رئیس - آقای اعتصامزاده

اعتصامزاده - عرض بنده در تعقیب اظهارات آقای  
طهرانچی بود چون ممکن است خریدار از کس دیگر  
خریده باشد و او هم از کس دیگر و این بالاخره دور  
تسلسل پیدا میکند در اینصورت آیا بایستی جریمه یا  
تأدیه غرامت نسبت بهر کسی که خریداری کرده است اعمال  
شود و آنها هم باین قسمت محکومند یا نظر به آن شخص  
آخری است که مال را پنهان کرده یا ضایع کرده و در دسترس  
نیست اینست که در این قسمت بنده پیشنهادی تقدیم  
کرده ام که توضیحی داده بشود که خریدار آخری محکوم  
به تأدیه عین قیمت مال یا فروشنده هر کس هست محکوم  
است

وزیر صناعت و معادن - عرض کنم آقای تخم نوغان  
یک چیزی نیست که هر کس صبح از خانه اش بیرون می آید  
تخم نوغان داشته باشد این موضوع اینطور که تصور می  
فرمائید نیست اولاً تخم نوغان یک چیز عادی نیست که  
هر کس بتواند یک مقداری بخرد یا بفروشد بلکه شاید  
اشخاصی که تخم نوغان بعمل میآورند خیلی عده شان معدود  
است و خریدار هم فقط رعیتی است که میتواند این عمل  
را بکند و بدرد دیگری نمیخورد و بالاخره هر چند دست  
که در اینکار دخالت کند مسئول است

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - بنده در قسمت عرض خودم تصور میکنم  
جوابی را که آقای وزیر صناعت فرمودند کافی نیست یعنی  
تکلیف محکمه را معین نمیکند و قسمت اول را البته توجه

نفرمودند این مال را وقتی که شخصاً بعمل میآورد و وقتی  
که بفروشد و کجی بیفتد البته چون بدون اجازه عمل  
آورده مجرم است و یا عین مال را ضبط میکنند یا این که  
اگر مال موجود نباشد البته غرامت میدهد یا حبس میشود  
این صحیح است اما قهره دوم این است که عمل آورنده  
که آنرا فروخته بدست نیامده یا اینکه مال را بطور قاچاق  
وارد کرده و در اینجا برای اینکه انحصار این کار را داده باشند  
بوزارت صناعت در قسمت دوم مینویسد بدون نظر حسب  
فلان خوب این ممکن است که خودش عمل نیآورده  
باشد و در این جا تکلیف این قسمت معلوم نیست  
و این از آن قسمت مستثنی است البته بنده عرض نمیکنم  
که او مسئول نیست خیر هر دو مسئول هستند اما میخواهم  
بدانم بجهت اندازه مسئول است بنده عرض میکنم عبارت ماده  
ناراست و مقصود از آن مفهوم نمیشود و باید این موضوع  
تصریح شود که هر کدام از اینها محکوم به تأدیه این  
غرامت هستند یا خیر و بفرمایش آقای اعتصامزاده این  
جا تکلیف روشن نیست و باید توضیحی داده بشود که  
محکمه و قاضی که میخواهد حکم کند تکلیفش را بداند.

وزیر عدلیه - اگر نگرانی آقای طهرانچی از محکمه  
است بنده اطمینان میدهم که محکمه تکلیف خودش را از این  
ماده بداند اما معذراً این توضیح را بنده عرض میکنم که این  
ماده که اینجا خیلی صریح و روشن است کمال لزوم را  
داشته است ما امتحان کرده ایم که در یک معاملاتی که  
معامله اش ممنوع است اگر فقط فروشنده مجازات شود و  
خریدار مجازات نشود آن قانون عملی نیست باید هر دو را  
مجازات کرد تا قانون عملی شود و اگر ماده را درست  
ملفتت نشدید گمان میکنم که این توضیح من کاملاً روشن  
کند مطلب را. این دو مجازات است در این قانون یکی  
مجازات است که جریمه نقدی است که معین شده است از  
پانصد الی پنجاه هزار ریال این شامل هر کس میشود که خریدار  
و فروشنده است ولو هر چند دست گشته باشد اما راجع به  
غرامت مال این جا دولت نظرش اینست که مال را توقیف

کفایت یعنی عیب مال را با حفظ مقدار وقت هر گز نباشد و اگر نبود او را بکار نمی توانستند بکارند که به پیشه های هر دو در یک کفایت است و البته بطور قضای است و حکمتی در تنظیم میسر و در این جا هیچ نمی شود اینها را با هم راجع به پیشه های دیگر کرده و البته عاقلان تکلیف خودشان را بهتر می دانند و این را در قانون می توانی

مجلس شورای ملی در این خصوص در قسمت تخم نوغان عرضی ندادم و این قسمت پیله را خواستم عرض کنم اگر وزارت صناعت مطمئن هستند که در حال آیه می توانند دو تمام کشور حتی دهکده ها و مساجد تهیه نوغان را فراهم آورند البته خیلی خوب است ولی اگر مثال آیه را نتوانند دو تمام کشور این موضوعات را دائر کنند تصور میکنم یک ضروری یک عده از رعایا خواهد بود بشود زیرا اغلب تهیه پیله بعهده وزارت صناعت است آنها دو راهی کوچک که مقدار کمی پیله تهیه می کنند البتة تخم نوغان را مطابق مقررات قانون باید از موقوفات و قریب صناعت که تشکیل داده اند تهیه کنند ولی خریداری پیله هم لاکر یا موقوفات و وزارت صناعت باشد اصحاب زحمت است و این را یک اشخاصی که یک زمین دو من پیله این رقم در آن زمین اگر ماکن هستند تهیه میکنند که بخواهند برای دو سه پیله این رقم را آن دو چندین فرسخ مساحت را طی کنند و این را که باید در آن مؤسسه جوار تهیه کنند خیلی اسباب زحمت است این است که اگر اینطور اصلاح بفرمایند که دو سه پیله در مساحت وزارت صناعت راجع به تهیه پیله تشکیل شده مشورت این قانون بقدر و آنجا هائی که نشده است چرا این بیچاره ها از کار خودشان باز بمانند این ها مشورت کار خودشان باشد که اسباب زحمتشان فراهم شود و این را در مساحت آنجا

وزیر صناعت و معادن - فرمایشاتی که آقا فرمودند باید اولی آنست که در تهیه پیله که منظور از مقصود دولت از این عمل است منظور دولت از انحصار تخم نوغان و خرید و فروش پیله یک منظور صنعتی است در کشور البته بنده خیلی

خوشوقت الحول هم شده اگر ما بتوانیم در نیمه کشور امروز پیله حاصل بیاوریم بولی ماکفایت نیست و فقط نقطه مهم ما گیلان است که بعضی می آورند و یک کلمه است کوچککی در مازندران و نظیر و خراسان و یزد و کاشان و در سایر قسمت ها هم يك اقداماتی شده است برای بعضی آوردن توت و البته در موقع خودش که میشود انشاء الله امید داریم بقواتیم این عمل را بسط دهیم و در این نقاطی که نوغان خیز است وزارت صناعت تشکیلات کاملی دارد حتی در حوزه خراسان (که البته منظور و مقصود آقا بیشتر آنجاست) با اینکه محصولش شاید عشر تمام گیلان است ما دو حوزه داریم یکی حوزه جنوبی که مرکزش در تربت حیدریه است و یکی هم مرکز شمالی که بخورد است برای خرید و فروش پیله هم هیچگونه اشکالی نیست این تخم نوغان را از کجا بدست می آورند؟ بدون داشتن تخم نوغان که این رعیت نمیتواند عمل بیاورد. مأمورین وزارت صناعت توزیع تخم نوغان را از بیست و پنجم اسفند شروع میکنند و یکی یکی به دهات قوطه قوطی میروند یا بیوله یا به زمین جنجی بعد هم میروند عین پیله اش را جمع میکنند و ما برای رفاهیت و تشویق عمل آورندگان ابریشم در هر کیلو یک ریال به قیمت اضافه کردیم که این فوق العاده کمک مهی است بر رعایا و این که انحصار کردیم این موضوع را برلی این است که ما وارد شدیم در زندگی صنعتی و وقتی که وارد شدیم در زندگی صنعتی باید موافق اولیله را خود مان تهیه و تأمین کنیم امروز کارخانه حریر باقی دو سال محتاج به هزار و هویست تن پیله است اگر پیله انحصار نباشد ما نمیتوانیم آن تعدادی که مورد احتیاجاتمان است بدست آوریم. لامأ موزون وزارت صناعت موظفند که در تمام قسمت ها مطابق تخم که توزیع میکنند پیله را تحویل بگیرند و قیمتش را هم بپردازند و آن مقدار را از این پیله که مورد احتیاج کارخانه است البته علاوه خواهد شد مقدار کمی و نیز بخانه دستروس طراف ها و غیره خواهد گذاشت و مقداری هم خودوز از خانه خریداری کرده برای کارهای صنعتی و صناعتی

برای استحضار آقایان باید عرض کنم که تخم نوغان موضوعی نیست که همه گس بتواند عمل کند البته در بعضی جاها بعضی رعایا یاد گرفته اند و این کار را می کنند ولی این محتاج يك مقدمات و آلات علمی و تخصصی است که میتواند تخم را آنطوری که مطلوب است تهیه کنند اولاً نژاد تخم و ثانیاً آن مرضی که موجب اتلاف این کرم است که پیرین میگویند این را باید دقت کنند که بشود آن تخم ها را بمرض فروش و عمل رعایا بگذارند و البته برای این قسمت اگر انحصار نشود ممکن نیست که بتوان این را اداره کرد که خوب باشد چه از نقطه نظر فنی و چه از نقطه نظر صحی

جمعی از نمایندگان - صحیح است کافی است. رئیس - پیشنهادات قرائت میشود. پیشنهاد آقای معذل

در ماده ۲ پیشنهاد مینمایم بجای هر پنج الی بیست ریال نوشته شود ده الی سی ریال.

رئیس - آقای معذل

معذل - در اصل عمل آنکه عبارت از مراقبت دولت در حفظ الصحة و بهداشت این موضوع است هیچ حرفی نیست ولی در عین حال نباید در ضمن عمل بدی عمل حبس را هم از نظر دور داشت. آقای وزیر عدلیه در جواب آقای طباطبائی توضیح فرمودند (که در حقیقت جواب پیشنهاد بنده محسوب میشود) ولی استدلال بنده اینست که این افرادی در محاسبات ما نیستند که نزد آنها هیچ ریال نباشد اگر شخصی خواست حبس نشود و قوی باشد هم تشخیص داد که این عجب قلیل ابتیاح باشد آنوقت بایستی دیده که این آدم هر روز چه خیلی استفاده میکند که با آن حبس را در مقابل آن خریداری کند. اگر ماده ها قانون دیگری هم داریم که برآمد مورد دیگری حبس قابل ابتیاح از پنج ریال تا بیست ریال قرار داده اند مطابق مقتضیات عصر خودش قرار داده اند ولی امروز که همه چیز بالا رفته و این بنیم که بیست تریز اشخاص برای بیست تریز کارها و وقت دو ریال کمتر نبرد و اجرت نمیکیرند

لنوعه سوالی که مناسب نیست که برای ملک کسی که نشانی داده شد که حبس او قابل ابتیاح است درنگ واقعی بگویم بمبلغ پنج ریال بنده می بینم که در اینجا مخلوط شده است موضوع از اینجهت راجع به تبدیل محازات نقدی با حبس بنده پیشنهاد کردم که یک نفری که میخواهد حبس خود را بخرد این را ما مطالبی وضعیت روز قرار دهیم و پیشنهاد کردم که از ده ریال تا سی ریال تبدیل شود و تصور میکنم این قیمت به خصوص قیمت ۵ الی ۱۰ قابل توجه باشد که آقای وزیر عدلیه توجه بفرمایند و اصلاح فرمایند.

وزیر عدلیه - بنده به آن جوانی که به آقای طباطبائی

دادم تصور نمیکم بقوام چیزی اضافه کنم و آن جواب قانع کننده بود و استدلالی که آقای معذل میکنند و نتیجه که گرفته اگر آقایان توجه کرده باشند نتیجه درست بعکس آن منظور است که ایشان داشتند ما اینجا رجاحت کامل کرده ایم هم رعایت فقیرا کرده ایم هم غلی را در مورد بخصوص این لایحه وزارت صناعت باشخاصی که منظور ایشان است اصلاح مورد پیما نخواهد کرد اینها يك اشخاص معین و معدودی هستند و محتاج باین درجهای که آقای معذل فرمودند نیستند و بر عکس نتیجه که نظر ایشان دارد که اگر این نظر را رعایت کنیم در خرید حبسها آنطور که ایشان فرمودند که در این کشور کسی نیست که روزی ده ریال کمتر عایدی داشته باشد و مزدش کمتر از ده ریال باشد بچه مناسب اشخاصی که محکوم به حبس میشوند در مقابل هر روز حبس پنج ریال از او بگیریم و اولادشان کلیم این یکی مخالف آن استدلالی است که فرمودند خوب اگر يك کسی روزی پنج جوان هم نداشته باشد چه بکنیم ما خواستیم حداقل و اکثر در مدت رعایت کنیم که برای اغنیا آنطور و برای بقی اشخاص اینطور و مشافقت قانونی هم دارد و قوانین هم بایستی در اصول ما هم مطابقت کنند و اگر دو يك قانونی يك جور بنویسیم در یکجا بطور دیگر بنویسیم مناسب نیست نبرد و فعلاً چون اصل قانون راجع به تبدیل حبس به جریمه نقدی اینطور است مقتضی است که اینجا هم همینطور باشد که در اصول قوانین مناسبیت موجود باشد و البته وقتی که قانون

مجازات را برای اصلاح آوردیم طوری میکنیم که رعایت نظر ایشان در تمام آن قانون بشود.

معدن - مسترد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای اعتصامزاده

پیشنهاد میکنم ماده ۳ بترتیب ذیل اصلاح شود  
ماده ۲ - هر کس بدون اجازه وزارت صنعت و معادن تخم توغان بعمل آورد و یا بدون برحسب اداره نوغان آنرا بفروشد یا بخرد عین مال ضبط و عمل آورنده و فروشنده و خریدار بتادیه غرامت از پانصد ریال تا پنجهزار ریال محکوم خواهند شد و اگر بعین مسال دسترس نباشد عمل آورنده یا خریدار آخری بتادیه قیمت مال نیز محکوم خواهند شد و در صورتیکه محکوم قادر بتادیه غرامت نقدی و قیمت مسال نباشد در مقابل پنج الی بیست ریال از آن بنظر محکمه یکروز حبس خواهد شد ولی مدت حبس نباید از سه سال تجاوز نماید

رئیس - آقای اعتصامزاده

اعتصامزاده - با توضیحاتی که آقای وزیر محترم عدلیه فرمودند بنده پیشنهاد خود را مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای زوار

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲ در قسمت مرتکب به تادیه غرامت نوشته شود مرتکبین اعم از خریدار یا فروشنده

رئیس - آقای زوار

زوار - این توضیحاتی که آقای وزیر صنعت و آقای وزیر عدلیه فرمودند آقای طهرانچی فرمودند بنده چون قریباً تمام این پیشنهاد را بکنم خواستم عرض کنم که فرمایند آقایان بنده را قانع نکرد برای اینکه اینجا فقط خریدار و فروشنده را معین کرده اند و فروشنده را معین نکرده اند حال آنکه ما عرض کردم که خریدار را که این مجازات را می بیند فروشنده را هم مجازاتی می بیند خواستم توضیح بفرمایند که برای فروشنده مجازاتی معین شده اند  
وزیر عدلیه - منظور آقای زوار همین است

است توضیح بنده هم کافی بوده است چیزی اضافه بر آن ندارم

مقابل قیمت حملات میدهند پس او در حقیقت چیزی نداده و مجازاتی نیافته است بعقیده بنده این ناقص است و باید اصلاح بشود و محکمه نمیتواند بگوید که یکدفعه او را بگیریم و یکدفعه این را بگیریم و محکمه این حق را ندارد پس وقتیکه خریدار پولش را داده است این مال از خریدار ضبط شده است یا اگر مال را از بین برده است جریمه مال را از او بگیرند و بعقیده بنده در اینصورت عدالت در این ماده درست نشده است و فروشنده هم از پولی که گرفته است مبلغی میدهد و هیچ مجازاتی ندیده است در صورتیکه اگر فروشنده عمل نیاید البته هیچ خریدار بدبختی نمی آید بخرد

وزیر عدلیه - آقای طهرانچی نگراند که عدالت در این ماده رعایت نشده ولی اینطور نیست این جا يك ماده داریم يك ماده خیلی کوتاه موجزی که این ماده مربوط میشود به چندین ماده مربوط به مجازات و بالاخره يك ماده خواهد شد جزء قانون مجازات عمومی در قانون مجازات عمومی يك کتابی است مربوط به کلیات امور جزائی ما آن کتاب کلیات قانون مجازات عمومی را که نمیتوانیم در هر ماده که محتاج شدیم برای تکمیل مسواد جزائی خودمان بنویسیم لازم نیست که در هر ماده زیرش بنویسیم که آن موازین کلی جزائی همه باید در این ماده رعایت شود اینها دیگر درش مستتر است همه در این ماده باید رعایت شود و تمام مقررات عمومی جزائی در هر ماده قانون مجازات چه در جزء قانون مجازات عمومی باشد و چه در خارج علیحده وضع شود رعایت خواهد شد اگر آقای طهرانچی دقت بفرمایند و مراجعه بفرمایند به آن سوابق عملی که راجع به ضبط مال در مورد مواد قاچاق است گمان نمیکیم نگرانی داشته باشند اگر این جزئیات را که مربوط به کلیات قوانین جزائی است باید دو اینجا ذکر کنیم خیلی چیز های دیگر هم هست که باید در این ماده اضافه کرد و باید يك کتابی اضافه کنیم که شرح این قوانین جزائی باشد

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - اگر این قیمت از هر دو طرف گرفته

میشود یا يك دفعه از این و يك دفعه از آن بنده عرضی ندارم بنده عرض کردم نگرانی بنده فقط در این است که اگر مالی بفروش رفته باشد و نزد خریدار توقیفه شود آن فروشنده که قیمت مال را گرفته او هم مجازات میشود یا این که خیر تنها خریدار قیمت مال را بپردازد این که نمیشود این قیمت مال و غرامت مال چرا باید بخردار بر گردد؟ اگر از فروشنده هم بگیرند که بنده استرداد میکنم پیشنهادم را و اگر خیر از این باشد که البته رأی بگیرند  
وزیر صنعت - در این قسمت مگر عرض شد که تمام کسانی که داخل بوده اند اعم از خریدار و فروشنده هر چند دستی هم که میخواهند باشند همه مجازات خواهند شد... (زوار - در قانون که این نیست) در قانون ذکر است فروشنده و خریدار ندارد

طهرانچی - بنده مسترد میکنم

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - بنده عرض زیادی ندارم بعد از جمله که آقای وزیر عدلیه فرمودند فقط خواستم عرض کنم که این ماده شقوق زیادی ندارد و فقط از دوشق خارج نیست یا مال موجود است یا موجود نیست اگر مال موجود باشد در دست هر کس که باشد خواه خریدار ، خواه فروشنده ضبط میشود ، اگر هم مال موجود نیست بالاخره آن کسی که سوء استفاده کرده است باید غرامت بدهد و قیمت آنرا بپردازد و مجازات هم بشود و اما اینکه فرمودند بالاخره يك کسی پولی داده و مالی را گرفته و بعد از دستش خارج شده و مال را از دست کسی میگیرند که استفاده نکرده است و فروشنده استفاده خود را کرده چرا خریدار غرامت را بپردازد بنده عرض میکنم که این اشکال هم وارد نیست برای اینکه آن کسی که بالاخره فروخته او پولش استفاده کرده است مطابق این ماده او هم محکوم میشود بغرامت یا حبس و مجازات خودش را او هم خواهد دید و بنظر بنده مذاکرات هم کافی است

رئیس - در صورتی که در جریان رسیدگی به این دعوی، متصرف مدعی مالکیت را از تصرف عدوانی برطرف کند، در این صورت دعوی منقضی می‌گردد. (ماده ۳۱۰)

رئیس - ماده ۳۱۰ - در مورد مواد فوق مدعی می‌تواند از تصرف کسی که ملک یا حق مورد دعوی را از او انتقال گرفته استفاده نماید.

رئیس - ماده سیصد و یازده :

ماده ۳۱۱ - در مورد دعوی تصرف عدوانی و دعوی ممانعت از حق و همچنین در مورد دعوی مزاحمت هر گاه مدعی علیه ادعای مالکیت یا انکار مالکیت و استحقاق مدعی را نماید محکمه وارد رسیدگی بدلائل مالکیت نمی‌شود و فقط در خصوص تصرف عدوانی و ممانعت و مزاحمت تحقیق می‌نماید و در مورد تصرف عدوانی مورد دعوی را بتصرف متصرف اول می‌دهد و در مورد ممانعت حکم بقدم ممانعت از حق و در مورد مزاحمت حکم برفع مزاحمت خواهد داد و مدعی مالکیت می‌تواند در محکمه صالحه برای اثبات مالکیت خود اقامه دعوی نماید.

رئیس - ماده سیصد و دوازده :

ماده ۳۱۲ - کسیکه راجع بمالکیت یا اصل حق ارتفاق و انتفاع اقامه دعوی کرده است نمی‌شود بعنوان تصرف عدوانی و ممانعت از حق طرح دعوی نماید.

رئیس - ماده سیصد و سیزده :

ماده ۳۱۳ - هر گاه در ملک مورد تصرف عدوانی متصرف پس از تصرف عدوانی عرس اشجار یا احداث بنا کرده باشد اشجار و بنا در صورتی باقی می‌ماند که متصرف عدوانی مدعی مالکیت مورد حکم تصرف عدوانی باشد و در ظرف یکماه از تاریخ اجراء حکم در باب مالکیت بمحکمه صالحه عرضحال بدهد.

رئیس - ماده سیصد و چهارده قرائت میشود :

ماده ۳۱۴ - در صورتیکه در ملک مورد حکم تصرف عدوانی مزاحمت شده باشد اگر موقع برداشت محصول رسیده باشد متصرف عدوانی باید محصول را با تأدیه اجرة العثل فوراً بردارد و در صورتیکه موقع برداشت محصول نرسیده باشد از اینکه بدین روئیده شده باشد محکوم له مزاحمت بین اینکه قیمت مزاحمت را نسبت بسهم صاحب بنا و در صورتیکه

خودشان بکوتاه بکنند. مدعی هم که تخمین نهالتی و خود مدعی می‌نماید نسبت بطرف خود است. (ماده ۳۱۵ تا ۳۱۸)

رئیس - بکمسیون ارجاع میشود.

۳ - بقیه شور اول خبر کمیسیون عدلیه راجع بلایحه اصول محاکمات حقوقی از ماده ۳۰۵ تا ۳۱۵

رئیس - شور اول بلایحه قانون اصول محاکمات حقوقی از ماده سیصد و پنج مطرح است. قرائت میشود :

ماده ۳۰۵ - دعوی ممانعت از حق عبارتست از دعوی کسیکه رفع ممانعت از حق ارتفاق یا حق انتفاع خود را در ملک دیگری بخواهد.

رئیس - ماده ۳۰۶ قرائت میشود :

ماده ۳۰۶ - دعوی مزاحمت عبارتست از دعوائی که بموجب آن متصرف مال غیر منقول در خواست جلوگیری از مزاحمت کسی را مینماید که نسبت بتصرفات او مزاحمت است بدون اینکه مال را از تصرف متصرف خارج کرده باشد

رئیس - ماده ۳۰۷ قرائت میشود :

ماده ۳۰۷ - در دعوی تصرف عدوانی مدعی باید ثابت کند که مورد دعوی قبل از خارج شدن ملک از تصرف مدعی لا اقل یکسال در تصرف او بوده و بدون رضایت و بغیر وسیله قانونی از تصرف او خارج شده و بیش از یکسال از تصرف عدوانی نگذشته است.

رئیس - ماده سیصد و هشت قرائت میشود :

ماده ۳۰۸ - در دعوی ممانعت از حق مدعی باید ثابت کند که قبل از تاریخ ممانعت لا اقل یکسال در آن حق متصرف بوده و بیش از یکسال از تاریخ ممانعت نگذشته است.

رئیس - ماده سیصد و نه قرائت میشود :

ماده ۳۰۹ - در دعوی مزاحمت مدعی باید ثابت کند که لا اقل یکسال مورد دعوی در تصرف او بدون مزاحمت بوده و از تاریخ ابتداء مزاحمت بیش از یک سال نگذشته است.

رئیس - ماده سیصد و ده خوانده میشود :

قانون عدلیه - بنده یک لایحه خیلی کوچکی تقدیم می‌کنم اگر چه کوچک و کوتاه است ولی خیلی اهمیت دارد و مربوط است باینکه فلاحی اگر خاطر آقایان باشد در موقعی که قانون عمران بمجلس تقدیم شد دولت در اینجا وعده کرد که تجدید نظری در اساسنامه بانک فلاحی بکند تا باینکه ترتیبی که هم برای مردم سهل باشد و هم حقوق بانک محفوظ باشد و تأمین بشود این کار عملی بشود اینک آن وعده که دولت کرده است انجام شده و تجدید نظر نموده و اساسنامه جدید بسیار عملی مفیدی تنظیم شده است که بزودی با اطلاع عموم خواهد رسید ولی در آن اساسنامه برخوردیم یک قسمتها را که مربوط بمعاملات ملکی یعنی وثیقه‌هایی است که باید بانک بگیرد و در مقابلش پول قرض بدهد ما بر خوردیم باین اشکال که تمام املاک امروزه ثبت شده نیست و این اشکال هست که امروزه بانک فلاحی از

دوره پنجم قانون اگزارج

مذاکرات مجلس

ماده ۳۱۰ - در مورد مواد فوق مدعی می‌تواند از تصرف کسی که ملک یا حق مورد دعوی را از او انتقال گرفته استفاده نماید.

رئیس - ماده سیصد و یازده :

ماده ۳۱۱ - در مورد دعوی تصرف عدوانی و دعوی ممانعت از حق و همچنین در مورد دعوی مزاحمت هر گاه مدعی علیه ادعای مالکیت یا انکار مالکیت و استحقاق مدعی را نماید محکمه وارد رسیدگی بدلائل مالکیت نمی‌شود و فقط در خصوص تصرف عدوانی و ممانعت و مزاحمت تحقیق می‌نماید و در مورد تصرف عدوانی مورد دعوی را بتصرف متصرف اول می‌دهد و در مورد ممانعت حکم بقدم ممانعت از حق و در مورد مزاحمت حکم برفع مزاحمت خواهد داد و مدعی مالکیت می‌تواند در محکمه صالحه برای اثبات مالکیت خود اقامه دعوی نماید.

رئیس - ماده سیصد و دوازده :

ماده ۳۱۲ - کسیکه راجع بمالکیت یا اصل حق ارتفاق و انتفاع اقامه دعوی کرده است نمی‌شود بعنوان تصرف عدوانی و ممانعت از حق طرح دعوی نماید.

رئیس - ماده سیصد و سیزده :

ماده ۳۱۳ - هر گاه در ملک مورد تصرف عدوانی متصرف پس از تصرف عدوانی عرس اشجار یا احداث بنا کرده باشد اشجار و بنا در صورتی باقی می‌ماند که متصرف عدوانی مدعی مالکیت مورد حکم تصرف عدوانی باشد و در ظرف یکماه از تاریخ اجراء حکم در باب مالکیت بمحکمه صالحه عرضحال بدهد.

رئیس - ماده سیصد و چهارده قرائت میشود :

ماده ۳۱۴ - در صورتیکه در ملک مورد حکم تصرف عدوانی مزاحمت شده باشد اگر موقع برداشت محصول رسیده باشد متصرف عدوانی باید محصول را با تأدیه اجرة العثل فوراً بردارد و در صورتیکه موقع برداشت محصول نرسیده باشد از اینکه بدین روئیده شده باشد محکوم له مزاحمت بین اینکه قیمت مزاحمت را نسبت بسهم صاحب بنا و در صورتیکه

بدهد و ملك را تصرف کند یا ملك را بتصرف متصرف عدوانی بقی بگذارد و اجرة المثل بگیرد  
رئیس - آقای نقابت .

نقابت - عرض کنم که در این ماده رعایت يك اصل کلی حقوقی و قهری شده است و آن قاعده الزرع للزارع است ولیکن يك قسمتی دارد این که می نویسد رعایت حق مالك و دسترنج را بنماید این کلمه دسترنج تا حالا در قانون نبود و يك چیز تازه است برای اینکه در عمل مورد توجه قضات و مراجعین باشد میخواستیم از آقای غیر تقاضا کنیم يك توضیحی بفرمایند تا عملاً هم مطلب روشن شود .

مخبر کمیسیون قوانین عدلیه - همین طور که آقای نقابت فرمودند این لغت تازه در قوانین آمده و تا حالا آورده نشده بود لیکن البته میدانید که این لغت در بین مالکین و زارعین و دهاقین متداول بوده است می گویند دست رنج رعیت مثلاً فرض کنید که اگر در فروردین يك نفر با زارعش قرار داد کرد که بذر باو بدهد که برود زراعت کند او هم زراعت میکند این حق این رعیت را در این زراعت دسترنج میگویند که این را زراعت کرده است یا مثل حقوق دیگری که رعیت در زراعت دارد .

باید اینک این شخصی که آمده است و این ملك را تصرف عدوانی کرده است و رفته است آنجا را زراعت کرده است زراعت را که البته خودش نکرده است بدین رعیت کرده است و او حق برمناله دارد نه برحق رعیت چون بذر داده است ملك را میرد حالا معلوم شد که متصرف عدوانی است مالك را هم فرض میکنیم که متقاعد شده باشد محصول آن ملك را ضبط کند و اجرت المثل بیاورد علاوه بر اینجا ممکن است حق رعیت از بین برود چون این شخص تصرف کرده است نباید حق رعیت از بین برود قاضی میگویم که آقایان عرض بنده فرجه بفرمایند که نظر کمیسیون عدلیه چه بوده است نظر این است که ملكی عالم بنده بوده زیندی آمده این ملك را تصرف عدوانی کرده است در اول

آب بند هم بود رفت و زراعت کرد ولی زراعت زاهدست رعیت کرد و بذری کرد من آمدم در محکمه عرضه دادم که آقا ملك مال من بوده و این شخص تصرف عدوانی کرده محکمه اینجا چه میکند ؟ حکم میدهد برفع تصرف عدوانی در صورتیکه واجد شرایط باشد یعنی يك سال نگذشته باشد و یکسال من متصرف بوده باشم حالا اگر چنانچه آن کسی که تصرف عدوانی کرده است محکوم شد یا صرف نظر کرد حق رعیت که نباید از بین برود و باید حق رعیت از همان محصول داده شود یا اینکه فرض بفرمائید توافق کردند که در میزان محصول را او بردارد و اجرت المثل بدهد بمالك اینطور تراضی کردند که در میزان که محصول ضبط شده است متصرف عدوانی اجرت المثل بدهد بمالك محصول را ببرد اما کجی ؟ بعد از آنکه حق رعیت و دسترنج رعیت را داد حاصل را ببرد یا اجرت المثل را ببرد غرض از دسترنج این بوده است

رئیس - آقای ملك مدنی  
ملك مدنی - عرض میکنم مذاکراتی که شد بعقیده بنده باید این ماده قدری روشن شود چون این کلمه که آقای نقابت فرمودند که اصطلاح تازه است این دسترنج که پیدا شده است بنده خیال نمیکنم که این چیز تازه باشد و این توضیحاتی هم که آقای مؤید فرمودند صحیح است این موضوع الزرع للزارع ولو کان غاصباً از قدیم گفته شده و در عرف هم معمول است که اگر ملك رعیتی زراعت کرده است و يك کسی آمد و تصرف عدوانی کرد حق آن رعیت محفوظ است و با حق آن زارع مورد بحث نیست و بعقیده بنده دسترنج اصطلاح خوبی است اما در حقوق رعیت و مالك آنچه معمول کشور است هر زارعی بالاخره وقتی که زراعت میکند همان حق زراعتش را میرد دیگر حق دیگری ندارد مقصود بنده از این توضیح این بود که چون در مجلس بحث شد این مطلب یک قدری روشن شود من باب مثال عرض می کنم اگر کسی اینجا آمده است و عدواناً تصرفی

کرده است شخصاً خودش زراعت کرده است دیگر حق برای رعیت باقی نیست و اگر که رعیت زراعت کرده است البته حق آن زارع داده میشود و وقتی هم از محکمه حکم صادر شد حق زارع مال زارع است حق مالك مال مالك است البته بطریقی که در عرف رعیت و مالك در کشور معمول است هر يك سهم خودشان را میرند مقصود همین است

رئیس - آقای اعتبار  
اعتبار - به عقیده بنده این کلمه دسترنج چیز تازه نیست که مشکلاتی ایجاد کند و بالاخره مقصود از دسترنج در رعیتی چیز تازه جز همان موضوع رعیتی و سهم رعیتی نیست این جا در عبارت مثل اینکه دو تاست یکی دسترنج است و یکی حقوقش است در رعیتی بخصوص که موضوع مربوط به مالك است و تصرف عدوانی و این چیزها اصلاً صحبت رعیت و دسترنج رعیت بنظر بنده هیچ مورد نداشته است این جایباید خاصه که رعیت نسبت بهر عملی يك وضعیت خاصی دارد همه جا يك جور نیست هر جا يك طور تقسیمی هست برای رعیتی بین مالك و رعیت که هر کدام تقسیم خودشان را در موقع خودش بر میدارند و اگر حالا چیز دیگری هست غیر از تقسیم بنده نمیدانم ممکن است از این کلمه دسترنج استفاده شود که رعیت مثلاً شخم میرند حالا اگر چنانچه فرض بفرمائید بیاید بگوید که پول شخم را بدهید و فلان مبلغ هم بدهید چون من این زمین را حاضر کرده ام برای زراعت این مشکلات را ممکن است بعداً فراهم کند و به عقیده بنده کلمه دسترنج يك کلمه زائدی است و در شور دوم خوبست که این کلمه برداشته شود زیرا وضعیت ملك هر طور شد آن حقوق رعیت بجای خودش محفوظ است هر کس که سهم اربابی را برداشت و متصرف شد اول حق رعیت را میدهد ولو اینکه متصرف عدوانی هم باشد

مؤید احمدی - غرض از دسترنج همان حقوق رعیتی است و چیز تازه نیست

رئیس - آقای میرزائی

میرزائی - قسمت های زاجع بدسترنج يك قسمتهای علی است و هر جا يك قاعده دارد که در عمل خودش رعایت میشود و این قانون بطور کلی خیلی خوب قانونی است و اشکالی هم ندارد نظر دیگری هم در کمیسیون بود و آن این بود که اغلب زاجع بتصرف عدوانی وقتی که مطرح میشد و سابقه هم دارد يك نفر ثابت می کرد که فلان شخص فلان ملك را عدواناً تصرف کرده اتفاقاً کشت کرده و سبز هم شده بود کسی که بفعش حکم صادر شده بود میرفت و زینتی لجاخت این زمین کاشته سبز شده را بر میگرداند و بی چته يك ضرری وارد میشد جبران ناپذیر آقای وزیر عدلیه که موافقت فرمودند و با آقایان اعضاء کمیسیون که در این قسمت صحبت شد روی این بود که روی لجاج ممکن است يك اشخاصی که حکم بفعشان صادر میشود بروند و زراعت را برگردانند و دسترنج و حق آن زارع و مالك را تضییع کنند چون حکم صادر شده است بنا بر این این ماده برای حفظ دسترنج زارع است که این محصول دست نخورد تا موقع برداشت و البته در موقع برداشت محصول هر جائی يك معمولی دارد آنچه موضوع دسترنج است رعیت بر داشت می کند و آنچه هم زاجع بمالك است برداشت می کند بنا بر این گمان می کنم اشکالی در بین نباشد و مذاکرات کافی باشد

رئیس - چند نفر از آقایان اجازه خوانسته اند  
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
رئیس - آقایان کلمه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند .

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . ماده ۳۱۵ قرائت میشود

( اینطور خوانده شد )

ماده ۳۱۵ - مستاجر پس از انقضای مدت اجاره و همچنین هر امین دیگری در صورت مطالبه مالك یا قائم مقام یا مازون از طرف او عین مستاجره و یا مال امانی را

بتصرف کسی که حق مطالبه دارد نداد متصرف عدوانی محسوب است و مشروط بر اینکه از طرف کسی که حق مطالبه دارد بترتیب زیر بانها اخطار شده باشد

استأجر در صورتیکه اخطار الاقل یکماه قبل از انقضای مدت اجاره بعمل آمده باشد پس از انقضای مدت اجاره والا پس از یکماه از تاریخ اخطار متصرف عدوانی محسوب شده و مطابق این قانون با او رفتار خواهد شد سایر اشخاصی که مالی دیگری را بطور امانی بتصرف باشند بجز روز پس از اخطار وعدم تخلیه و رفع ید متصرف عدوانی محسوب خواهند شد اخطار فوق بوسیله ادویه ثبت یا دفتر محکمه بدایت یا دفتر محکمه صلاحیه بعمل میآید و اگر در مجل هیچیک از مراجع فوق نباشد بوسیله بخش دار

رئیس - آقای طباطبائی

طباطبائی - بنده از نقطه نظر لزوم ارفاق نسبت بمتأجرین خواستم عرض کنم در اینجا که میفرماید پس از انقضای مدت اجاره در شور دوم ممکن است نوشته شود یکماه پس از انقضای مدت اجاره که اگر مدت اجاره منقضی شد و یکماه هم گذشت و مستأجره را تحویل نداد آن وقت متصرف عدوانی محسوب شود (وزیر عدلیه - تأیید شد) اینجا در صورت اخطار است آنوقت یکماه فرصت هست چون ممکن است يك ماه قبل از انقضای مدت اجاره اخطار کند آنوقت فرصتی برای مستأجر باقی نیست و یکی دیگر هم خواستم تقاضا کنم که کلیه محکمه چون در فرهنگستان تبدیل بداد گاه

شده است در شور دوم رعایت این موضوع بشود مؤید احمدی - این نظری را که آقا میفرمایند بنظر بنده در ماده تأمین شده بعلمت اینکه یکماه مهلت دارد می نویسد مستأجر پس از انقضای مدت اجاره و همچنین هر امین دیگری در صورت مطالبه مالک یا قائم مقام یا مأذون از طرف او عین مستأجره و یا مال امانی را بتصرف کسیکه حق مطالبه دارد نداد متصرف عدوانی محسوب است آنوقت قسمت شرطش این است که الاقل یکماه بعد از مدت اجاره بعمل آمده باشد یعنی بعد از آنکه اجاره اش منقضی شده است و یکماه هم گذشته است آنوقت میآیند باو اخطار میکنند که باید ملك را خالی بکنی

رئیس - آقای طباطبائی

طباطبائی - عرض کردم ممکن است اخطار قبل انقضای مدت اجاره بعمل آید ( مؤید احمدی - در ماده نوشته شده است ) اگر مدت منقضی شد آیا مستأجر يك ماه فرجه دارد ؟ اگر دارد بنده حرفی ندارم

مؤید احمدی - ملاحظه فرمائید دارد

رئیس - آقای نقابت

نقابت - عرضی ندارم

[ت - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم جلسه آینده روز یکشنبه اول اسفند سه ساعت پیش از ظهر دستور لوائح موجوده

(مجلس نزدیک ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

## قانون

### انحصار تهیه و خرید و فروش تخم نوغان و پيله بوزارت صناعت

ماده ۱ - انحصار تهیه و خرید و فروش تخم نوغان و پيله در شور با وزارت صناعت و معادن است .

ماده ۲ - هر کس بدون اجازه وزارت صناعت و معادن تخم نوغان بعمل آورد یا بدون برحسب اداره نوغان آنرا بفروشد و یا بخرد علاوه بر ضبط مال (و در صورت نبودن عین مال رد قیمت آن) مرتکب بتادیه غرامت از پانصد ریال الی پنج هزار ریال محکوم خواهد شد و در صورتیکه بتادیه محکوم به تقدی اعم از غرامت یا قیمت مال قادر نباشد در مقابل هر پنج الی بیست ریال از آن بنظر محکمه يك روز حبس خواهد شد و مدت حبس نباید از سه سال تجاوز نماید .  
تبصره - وزارت صناعت در مورد اجراء این قانون شاکی خصوصی شناخته میشود و در صورتیکه شکایت خود را مسترد دارد قضیه قابل تعقیب نخواهد بود .

این قانون که مشتمل بر دو ماده است در جلسه بیست و چهارم بهمن ماه یکم از اسفند شانزدهم بتصویب مجلس شورای ملی رسید  
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری